

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها

در چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵
در حسینیه امام خمینی رحمه‌الله



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

خوشامد عرض میکنم به برادران و خواهران عزیز، اساتید محترم دانشگاه؛ مجموعه‌ی

دانشمندی که در اینجا حضور دارید. این جلسه همواره یکی از شیرین‌ترین جلسات برای این

حقیر است؛ هم به خاطر مطالبی که در اینجا گفته میشود - که غالباً مفید و دارای ژرفنگری و پشتوانه‌ی فکری و علمی است - و هم بیشتر از آن، به خاطر خود فضای علمی جلسه. و اساساً هم هدف اصلی ما از این جلسه همین است که ما احترام و تکریم خودمان را نسبت به دانشمندان و علمای متعهد - که بزرگ‌ترین ثروتهای کشور هستند - به شکل نمادین در اینجا ابراز کنیم.

سخنان زیادی در ذهنهای شما هست هر کدام از شما مطالبی برای گفتن دارید که اگر اقبالی و توفیقی برای شنیدن آنها میبود، یقیناً فوایدی بر آن مترتب بود. و امیدواریم این سخنان، این افکار در جای خود به شکل مناسب، در مجامع علمی، در مبادلات دانشگاهی مطرح بشود، و مسئولین از این نظرات، از این افکار استفاده کنند. و یقیناً آنچه مجموعه‌ی اندیشه‌های دانشمندان و ژرف‌نگران ما در سطح دانشگاه کشور، نسبت به مجموع مسائل کشور خواهند داشت، مجموعاً یک ثروت بزرگی را به دست‌اندرکاران مدیریت کشور تقدیم خواهد کرد و ارائه خواهد کرد، که امیدواریم مورد استفاده قرار بگیرد. لیکن خب، طبعاً جلسه‌ی محدود کنونی ما این ظرفیت را ندارد که بتوانیم از همه‌ی نظرات استفاده کنیم.

من از برادران عزیز و خواهر عزیزی که صحبت کردند، تشکر میکنم. همه‌ی سخنرانان و گویندگان نکات بسیار خوبی را مطرح کردند و از بیاناتشان استفاده کردیم؛ ان شاءالله از مجموع این بیانات هم در برنامه‌ریزی‌ها، در تبادل نظر با مسئولین اجرایی کشور استفاده خواهد شد و باید اثر آن ان شاءالله دیده بشود.

خب، ما هدفمان تکریم علم و عالم، و شنیدن و نیوشیدن (۱) مطالب دوستان و اساتید محترم بود که بحمدالله تا امروز و تا این لحظه حاصل شد. عرایضی هم عرض میکنیم.

اولاً فضای رمضان، فضای صفا و معنویت و صدق و اخلاص است. از این فضا سعی کنیم حداکثر استفاده را بکنیم؛ هم در آنچه ارتباط قلبی ما با خدا است، این رابطه‌ی معنوی را، رابطه‌ی شخصی را با خدای متعال در این ایام تقویت کنیم - که برترین و بزرگ‌ترین فایده و نفع برای هر انسانی، تقویت این رابطه است - هم برای زندگی جاوید ما و حیات اخروی ما، که زندگی واقعی آنجا است؛ هم برای آن مفید است، هم برای همین زندگی نقد حاضر ما مفید و اثربخش. علاوه بر این، سعی کنیم از این فضای معنویت و صفا که در ماه رمضان در سطح جامعه عمومیت دارد، برای ارتباطات صحیح و معنوی میان خودمان و دیگران استفاده کنیم و تصمیم‌های درست بگیریم، اقدامهای درست بکنیم؛ خوشبینی را، اعتماد را، ایجاد محبت را، خیرخواهی نسبت به یکدیگر را در ارتباطات خودمان دخالت بدهیم، و این بهره را از ماه رمضان ببریم که در روابط اجتماعی و روابط انسانی یک تلطیفی به وجود بیاوریم؛ و فضای زندگی را، فضای کشور را، یک فضای نورانی‌تری بکنیم؛ این هم از عهده‌ی یکایک ما برمی‌آید؛ شما که استاد هستید و دارای جایگاه علمی برتری هستید و طبعاً بر روی محیط پیرامون خودتان - چه دانشجو و چه غیر دانشجو - میتوانید در این زمینه تأثیر بیشتری بگذارید.

چند نکته را من یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم؛ چون این دیدار، دیدار معتنمی است برای بنده که انسان، با جمعی از زبندگان و نخبگان فکری و علمی مواجه است. ما که دائماً به نیروی انسانی کشور افتخار میکنیم، خب، بهترین نیروی انسانی و برجسته‌ترین نیروی انسانی همین عناصری هستند که در دانشگاه مشغول تربیت انسانهای دانشورند؛ یعنی اساتید محترم دانشگاه. فرصتی است که ما نکاتی را به صورت رویاروی عرض بکنیم.

نکته‌ی اول مربوط به همین نهضت علمی کشور است. این موضوع به نظر بنده خیلی مهم است. مسئله‌ی حرکت علمی کشور، به نظر من یک چیز اساسی است برای حیات آینده‌ی ملت ما و جامعه‌ی ما، بلکه به یک اعتبار برای حیات دنیای اسلام. ما سالها است - شاید ده سال، دوازده سال است - که روی مسائل علم تکیه میکنیم و پاسخ هم داده است؛ یعنی حقیقتاً حرکت علمی و نهضت علمی در کشور شروع شده است و پیش رفته است و کارهای بزرگی انجام گرفته است - که نمونه‌ی آن را از اساتید محترم شنیدید، و نمونه‌ها خیلی بیش از آن چیزی

است که این دوستان در اینجا بیان کردند - کار شروع شده است و واقعاً در دنیا هم شناخته شده این حرکت علمی کشور و در واقع رونمایی شده از نهضت علمی کشور عزیز ما، لکن آنچه من را دچار دغدغه میکند، این است که ما این حرکتمان هنوز به نقطه‌ی ثبات نرسیده است. ما مثل کسانی هستیم که در یک سراسیمگی تند، داریم به طرف بالا حرکت میکنیم. بله، حرکت کرده‌ایم، پیش هم رفته‌ایم، کارهای زیادی هم انجام گرفته است، اما وسط راهیم؛ به دلایل مختلف در نیمه‌ی راهیم - من حالا نمیخواهم خیلی در این زمینه تفصیل بدهم؛ خوب، صحبت کرده‌ایم در جاهای مختلف، به مناسباتهای مختلف عرایضی را عرض کرده‌ایم - در این سربالایی تند که داریم حرکت میکنیم، اگر توقف کردیم، این توقف با عقب‌گرد همراه بود؛ توقف دیگر نیست. اگر حرکت ما از دور افتاد، بازگرداندن این نهضت، این حرکت، این شتاب علمی مشکل‌تر خواهد بود؛ این دغدغه‌ی ما است. من میخواهم عرض بکنم به این حرکت علمی باید با همه‌ی توان نیرو رساند، مدد رساند، باید کار کرد؛ نبادا وضعیتی پیش بیاوریم که این حرکت متوقف بشود؛ مطلب اول ما و مطلب اصلی ما این است.

مطمئناً انگیزه‌هایی وجود دارد در جبهه‌ی دشمنان ما برای متوقف کردن حرکت علمی کشور. حالا بعضی‌ها روی کلمه‌ی دشمن حساسیت دارند؛ به ما اعتراض میکنند که چرا مدام میگویید دشمن، دشمن؛ در حالی که شما قرآن [را] ملاحظه کنید، می‌بینید اول تا آخر قرآن چقدر تکرار شده عنوان «شیطان»، عنوان «ابلیس» مکرر گفته شده، مکرر تکرار شده. از دشمن که نباید غفلت کرد. دشمن دانستن دشمن که عیب نیست؛ اینکه ما روی دشمن مدام تکیه میکنیم، معنایش این نیست که از عیوب خودمان و مشکلات درونی خودمان غافلیم؛ نه، أعدی عَدُوکَ نَفْسِكَ الَّتِي بَيْنَ جَنبَيْكَ؛ (۲) از همه‌ی دشمنها بدتر، دشمن درونی ما است، دشمن خود ما است، نفس راحت طلب ما است، تبلی ما است،

تن‌آسایی ما است، عدم تدبیر ما در پیشبرد امورمان [است] - اینکه معلوم است - اینها به جای خود محفوظ؛ اما غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خوب، باید دشمن را شناخت، دید - حالا [اینکه] شما میگویید برخوردمان با دشمن این‌جور باشد، آن‌جور نباشد، بحث دیگری است - دشمنی او را باید فهمید، نقشه‌ی او را باید تشخیص داد. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است. خوب، وقتی این را فهمیدیم، برمیگردیم به دانشگاه؛ اینجا آن مدیریت جهادی که ما عرض کردیم، (۳) معنا پیدا میکند. چون جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام میگیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت میگیرد؛ این جهاد است. آن وقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیرید، شما که استادید، شما که دانشجو هستید، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخشهای گوناگون این عرصه‌ی عظیم، خواهد شد مدیریت جهادی. ما البته در گذشته، در یک دورانی، نمونه‌های نامطلوبی در دانشگاه داشتیم. کسانی را در یک دانشگاه معتبر کشور داشتیم که جوانهای نخبه را تشویق میکردند به ترک کشور! اینکه مکرر میگویند فرار مغزها، فرار مغزها؛ آدمهایی داشتیم که دانشجوی نخبه را جستجو میکردند، پیدا میکردند، تشویق میکردند به اینکه کشور را ترک کنند و بروند؛ در یک دورانی این را داشتیم؛ و در یک دورانی دیدیم این را و گذراندیم این دوران را که در داخل وزارت کسانی بودند که در مقابل حرکت علمی و پیشرفت علمی مانع‌تراشی میکردند؛ [البته] ممکن است با دلایلی از نظر خودشان موجه، اما واقعیت همین بود که مانع‌تراشی بود. اینها نباید تکرار بشود؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار نگیرد که پیشرفت علمی را به هیچ می‌انگارند؛ به آن اهمیت نمیدهند؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار بگیرد که عاشق پیشرفت علمی کشورند؛ اهمیت این مسئله را برای سرنوشت این ملت و برای سرنوشت این کشور درک میکنند. این عرض اصلی ما است؛ مخاطب این مسئله، هم مسئولین دولتی هستند، هم مسئولین دانشگاه‌ها هستند، هم خود شما اساتید هستید؛ دانشگاه حرکتی را شروع کرده، نگذارید این حرکت متوقف بشود؛ این حرکت بایست ادامه پیدا کند و باید مضاعف بشود. عرض کردم - حالا جای تفصیل کلام در اینجا نیست - ما هنوز خیلی راه در پیش داریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که از لحاظ علمی مورد نظر است؛ خیلی باید تلاش کرد؛ خیلی باید مجاهدت کرد.

از لحاظ کوتاه‌مدت هم اعتقاد بنده این است - یعنی این اعتقاد ناشی از کاری است که کارشناس‌ها و صاحب‌نظرها کرده‌اند - که تحریمها هم - که امروز مسئله‌ی تحریمها یکی از مسائلی است که در ذهنها مطرح است - با پیشرفت علم بی‌اثر میشود. با نگاه کوتاه‌مدت و میان‌مدت هم که نگاه کنیم - با قطع نظر از آن آینده‌ی طولانی و بلندمدت - اگر کشور میخواهد تحریمها که امروز ابزاری است در دست دشمنان ما برای تحقیر ملت - از تحریم برای فشار آوردن روی آبروی ملی، غیر از فشارهای عملی که مربوط به زندگی است استفاده میکنند و تحقیر میکنند؛ اینکه ما از گذشته، در این چند سال مدام تکرار میکردیم که روی مسئله‌ی تحریمها خیلی تکیه نکنید، به‌خاطر این است - [بی‌اثر شود]، با نگاه علمی به مسائل کشور، و توجه به علم، و پیوند دادن علم و صنعت و کشاورزی - که توضیحات آقایان محترم را در این زمینه‌ها شنیدید - تحریمها بی‌اثر خواهد شد. و ما در این زمینه‌ها میدان کار برابری باز است و میتوانیم کار کنیم؛ شرکتهای دانش‌بنیان یکی از اساسی‌ترین کارها در مقوله‌ی همین اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و درباره‌ی آن بحث شده است و مورد تأیید و تصدیق همه‌ی اطراف مسائل کشور قرار گرفته است.

البته در تشخیص شرکتهای دانش‌بنیان دقت بشود، یعنی شاخصه‌ها و مشخصه‌ها [معین بشود] و شرکت دانش‌بنیان استانداردسازی بشود؛

این جور نباشد که به اسم شرکت دانش‌بنیان کسانی بیایند و همین کارهایی را که در برخی از عرصه‌های دیگر معمول است - دلالی و ماندا اینها - در [اینجا] پیش ببرند. به معنای واقعی کلمه، شرکت دانش‌بنیان [باشد]؛ این را باید یکی از محورهای اساسی قرار داد.

من اینجا در داخل پراتنز این را هم عرض بکنم که برخی از کسانی که جایگاهی برای حرف زدن دارند و تریبون دارند، در اصل مسئله‌ی پیشرفت علمی کشور تردید میکنند! ما این را مصلحت نمی‌دانیم؛ یعنی واقعاً از روی بی‌اطلاعی است. یک وقتی یکی از مسئولین کشور درباره‌ی مسائل نظامی یک نظری داده بود که خب مطابق واقع نبود؛ بنده گفتم یک «تور نظامی» برای مسئولین کشور قرار بدهید؛ بیایند یک خرده‌ای در محیطهای نظامی گردش کنند، حقایقی را، واقعیاتی را ببینند، معلوماتشان نسبت به موجودی نظامی کشور بالا برود. حالا در مورد مسائل علمی هم متأسفانه گویا همین جور است؛ باید یک «تور علمی» بگذاریم برای مسئولین در بخشهای مختلف. حالا بعضی از بخشها را دوستان بیان کردند؛ یکی از آقایان نانوفناوری را فرمودند - البته فقط نانوفناوری نیست - فرمودند چاهی حفر میکنیم، به نم که میرسد، آن را ول میکنیم؛ نه، دارند دنبال میکنند. آن کسانی که حقا چاه هستند، واقعاً دارند دنبال میکنند، به جاهای خوبی هم رسیدند. خب، [مثلاً] الان پزشکی کشور، از جمله‌ی پیشرفته‌ترین پزشکی‌های دنیا است؛ ما از علوم روز دنیا و مرزهای دانش دنیا در پزشکی، چندان عقب‌ماندگی نداریم؛ خیلی نزدیکی. در زمینه‌های دیگر هم همین جور؛ همین دانش هسته‌ای، دانش سلولهای بنیادی، و کارهای بزرگی از این قبیل، فراوان است که ما پیشرفتهای خیلی خوبی داشته‌ایم. کسانی که اطلاع ندارند، خوب نیست تردید بکنند؛ خب بروند مطالعه کنند، تماس بگیرند و همین طور که عرض کردیم یک گردش علمی بگذارند و به یک جاهایی برسند. مطلب اصلی ما این بود که عرض کردیم. من خواهش میکنم از مسئولان وزارتخانه‌های مربوط، و از مسئولان دولتی ذی‌ربط که مرتبط با مسائل علم و دانشگاه و صنعت هستند، مسئله‌ی پیشرفت علمی و ارتباط علم با فناوری در کشور را جدی بگیرند؛ یعنی نسبت به این مسئله واقعاً هیچ کوتاهی صورت نگیرد. این مسئله، مسئله‌ی اساسی ما است؛ یکی از اصلی‌ترین، اساسی‌ترین و فوری‌ترین مسائل ما است. کار تحقیقات به‌جای خود، [اما] در پژوهشها و آنچه در این زمینه لازم است انجام بگیرد، به نظر ما هیچ نایستی کوتاهی صورت بگیرد.

یک مطلب دیگری که من یادداشت کردم که عرض بکنم [این است]: خب، نقشه‌ی جامع علمی بحمدالله تصویب شد؛ آن طور که به من گزارش کردند، مورد استقبال هم قرار گرفته است. چندین سند علمی بر اساس نقشه‌ی جامع علمی تهیه شده، تنظیم شده، ابلاغ شده، و چندین سند علمی دیگر در حال تدوین است؛ و به ما گفته شد که بعضی از مسئولین بخشهای علمی از مجموعه‌ای که اجرای نقشه‌ی جامع علمی را به‌عهده دارند، درخواست تدوین سند علمی میکنند برای بخشهای خودشان. خب، این اتفاق افتاده است؛ این یک اتفاق مهم و کارسازی در کشور بوده است. آنچه مکمل این کار میتواند بشود، این است که برای دانشگاه‌های گوناگون کشور بر اساس مزیتها، مسئولیت و سهم نسبت به مجموعه‌ی نقشه‌ی جامع علمی تعیین بشود؛ دانشگاه‌های معتبر کشور، دانشگاه‌های مختلف کشور، سهم خودشان را در مجموعه‌ی این سند بزرگ چشم‌انداز علمی کشور بدانند و در آن بخشهای ویژه‌ی مربوط به خودشان کار کنند؛ یعنی در مجموع یک جدولی به‌وجود بیاید که هر دانشگاهی سهم خودش را در پر کردن این جدول بداند و تشخیص بدهد. میتوان براساس مزیتها و استعدادها، دانشگاه‌ها را تقسیم کرد و سهم هر دانشگاهی را به‌عهده‌ی آن دانشگاه گذاشت.

مطلب دیگری که من یادداشت کردم عرض بکنم، این است که خب، در کار علمی و فعالیت علمی بحمدالله حرکت شروع شده است؛ یک نکته‌ی اساسی در فعالیت‌های علمی این است که فعالیت علمی کشور، ناظر به نیازهای کشور باشد که این به‌طور کامل امروز تأمین شده نیست. همان‌طور که دوستان اشاره کردند، مقالات علمی نمایه‌شده‌ی کشور ما امروز مشتری دارد، یعنی مشتری کار علمی در دنیا فراوان است؛ ولی خب، این کافی نیست. بله، [اینکه] شما مقاله‌ای تهیه کنید و مرجع واقع بشود، و به آن ارجاع داده بشود، مایه‌ی افتخار است، چیز خوبی است، برای کشور هم خیلی خوب است و نشانه‌ی پیشرفت علمی کشور است؛ اما از این مهم‌تر این است که آنچه شما در زمینه‌ی مسائل علمی کار میکنید، ناظر باشد به نیازهای کشور. خب، امروز ملاحظه کردید، در مورد مسائل مربوط به صنعت، مربوط به کشاورزی، مربوط به مدیریت بحران، مربوط به مسائل گوناگون کشور، مطالبی را صاحب‌نظران ابراز کردند، نیازهایی را گفتند، کمبودها و ضعفهایی را که وجود دارد مطرح کردند؛ خب میتواند تحقیق علمی، پژوهش علمی، مقاله‌ی علمی، برای تأمین این نیازها تهیه بشود و ناظر به رفع این نیازها باشد. این هم مسئله‌ی مهمی است. اگر چنانچه در این زمینه دانشگاه‌های کشور تلاش بکنند، این مهم‌ترین کمکی است که به اداره‌ی کشور کرده‌اند. بحث کمکی که میتوانند دانشگاه‌ها و محیطهای علمی بکنند، همین است که در زمینه‌های گوناگون، تأثیر بگذارند در تصمیم‌گیری‌های مسئولین؛ ناظر باشد کار علمی آنها به نیازهایشان؛ حالا چه با مقالات علمی، چه با پایان‌نامه‌هایی که به دانشجوها میدهند، چه با مناظرات علمی.

یک نکته‌ی دیگری که مناسب است به شما اساتید عرض بکنیم و اینجا من یادداشت کرده‌ام، این است که استاد جایگاه تأثیرگذاری در ذهن شاگردان خودش دارد؛ خاصیت استادی این است؛ یعنی تفوق (۴) علمی شما بر دانشجو و تعلیمی که به او میدهید، یک جایگاه اثرگذاری برای شما در ذهن او و در شخصیت او به‌وجود می‌آورد؛ از این جایگاه برای تربیت دانشجویان استفاده کنید. ما امروز نیازمندیم که جوانان ما خوش‌روحیه، امیدوار، شجاع، دارای اعتمادبه‌نفس، دارای ایمان، دارای روحیه‌ی آینده‌نگر، دارای روحیه‌ی خدمت [باشند]؛ احتیاج داریم دانشجوی ما این جور بار بیاید. خب، این را شما میتوانید در محیط علمی، در کلاس درس تأمین کنید. عکس آن هم ممکن است؛ میشود با

تعبیراتی، با متلک گفتن به بنیانها و اصول پذیرفته شده‌ی کشور، دانشجو را نسبت به آینده‌ی کشور بی‌اعتماد کرد، بی‌اعتقاد کرد، لابلای کرد؛ این هم میشود. آنچه از استاد انتظار می‌رود فقط تغذیه‌ی علمی دانشجو نیست، بلکه تقویت روحیه‌ی معنوی او و شخصیت معنوی او هم از استاد متوقع است؛ شما میتوانید در این زمینه اثر بگذارید. سعی کنید دانشجو را پایبند به تعلقات معنوی، تعلقات خانوادگی، تعلقات میهنی بار بیاورید؛ دانشجو را معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی بار بیاورید. بعضی به‌عکس عمل کردند در طول سالهای متمادی قبل از انقلاب؛ بعد از انقلاب هم البته تا امروز رگه‌هایی مشاهده شده در دانشگاه‌ها؛ خوب، ما هم اطلاع داریم، شما هم اطلاع دارید، کسانی را و جریانی را می‌شناسیم، می‌شناختید - حالا اسم کسان و اشخاص مورد نظر نیست - جریانی وجود دارد که مرعوب و مغلوب تسلط فرهنگ غربی است؛ هرچیز غربی برای او مایه‌ی تمجید است و هرچیز میهنی و ملی و خودی مورد تحقیر و اهانت قرار می‌گیرد؛ داریم کسانی از این قبیل؛ این درست عکس آن چیزی است که باید باشد. استاد در محیط دانشگاه، در محیط درس، میتواند دانشجوی خودش را، هم از لحاظ دینی مؤمن بار بیاورد، هم از لحاظ میهنی، انسان علاقه‌مند به آینده‌ی کشورش و آینده‌ی میهنش و سرنوشت ملتش بار بیاورد؛ میتواند او را امیدوار، باروحتیه، خوش‌بین، معتقد به مبانی نظام کشور بار بیاورد؛ میتواند هم عکس عمل بکند. توقعی که از استاد است این است: نباید سخن استاد موجب دل‌زدگی و یأس دانشجوی جوان بشود؛ منیش استاد هم همین جور است.

آنچه من به برادران و خواهران عزیز، اساتید محترم عرض میکنم این است که - قبلاً هم البته مکرر در همین جلسه و جلسات دیگر این را گفتیم - استاد، محیط دانشگاه را کار اصلی خود و دلبستگی اصلی خود بدانند؛ نه کار دوم؛ نه کار فرعی و تبعی. استاد در دانشگاه مکث داشته باشد، توقف داشته باشد، حضور داشته باشد، نیازهای علمی دانشجو را برطرف کند، با دانشجو ارتباط برقرار بکند، صرف رفتن و یک ادای تکلیفی به‌نحو اجمالی انجام دادن و آمدن نباشد؛ این هم نکته‌ی دیگری است که عرض کردیم. وقت بگذارند اساتید؛ دلسوزانه با دانشجو برخورد کنند؛ این کار، دانشجو را هم به تلاش علمی وادار خواهد کرد، یعنی این موجب میشود که دانشجو رفتار استاد را در زمینه‌ی پیگیری کار علمی برای خودش الگو قرار بدهد و به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

یک نکته‌ی دیگر هم در مورد دروس معارف است. استادان دروس معارف، فرصت بسیار ارزشمندی را دارند در دانشگاه؛ این مجموعه‌ی عظیم دانشجویان، جماعت میلیونی دانشجو در ساعات فراوانی در اختیار استاد معارفند؛ این خیلی فرصت باارزشی است. بهترین جوانها در اختیار شما هستند؛ اگر استاد معارف با هوشمندی، با تکیه‌ی به معلومات عمیق و به‌روزشده‌ی در مسائل گوناگون فکری و اسلامی، با دانشجو مواجه بشود، ما بیشترین سود را از حضور اساتید معارف در دانشگاه خواهیم برد. و به‌نظر ما بسیار بجا و مناسب است که نهاد نمایندگی (۵) به این مسائل توجه کنند و دقت کنند، برنامه‌ریزی کنند که بتوان از حضور این استادان محترم در دانشگاه برای تقویت ایمان دانشجو و تقویت عمل و ساختن شخصیت دینی و معنوی دانشجویان بهره‌برداری بشود.

مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی علوم انسانی است، که از مدتی پیش این مطلب را مطرح کردیم؛ دلایل این کار هم مکرراً گفته شده. حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید. این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران خودمان را بی‌نیاز بدانیم - نه، برخی از علوم انسانی ساخته‌وپیرداخته‌ی غربی‌ها است؛ در این زمینه کار کردند، فکر کردند، مطالعه کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد - حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانشهای علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. البته این کار، کار شتاب‌الودی نیست - کار بلندمدتی است، کار مهمتی است - منتها دوستانی هم که مشغول این کار هستند، لازم است سرعت متناسب را به این کار بدهند، یعنی ضمن اینکه نباید در این کار شتاب‌زدگی کرد، عقب‌ماندگی هم در این کار مطلوب نیست و مورد قبول نیست؛ بایستی کار بشود. البته من شنیدم و اطلاع دارم که علاوه بر آنچه در شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه انجام می‌گیرد، اساتید متعدّد دانشگاه هم در این زمینه کارهای مهم و خودجوش دارند انجام میدهند، که این کارها خوب است در یک صراط قرار بگیرد؛ یعنی این دو مجموعه‌ی کاری با یکدیگر هم‌افزایی کند، تا ان‌شاءالله نتایجی عاید کشور و عاید دانشگاه کشور در این زمینه بشود.

آخرین مطلب هم - که ظاهراً وقت تمام شده - این است که من خواهش میکنم از مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان گوناگون مدیریتی که دانشگاه را مرکز جولان سیاسی و تلاشها و فعالیت‌های جناحهای سیاسی قرار ندهید. سم مهلک حرکت علمی این است که دانشگاه‌ها تبدیل بشوند به باشگاه‌های سیاسی؛ کاری که در یک دوره‌ای انجام گرفت. این به‌معنای نفی حرکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها نیست؛ بنده همیشه مدافع و منادی کار سیاسی دانشجویان و دانشگاهیان بوده‌ام و هستم - الان هم معتقدم - منتها نگاه سیاسی، مشرب سیاسی، فهم سیاسی و فعالیت سیاسی داشتن، یک حرف است و دانشگاه را و کلاس درس را و محیط علمی را جولانگاه کار سیاسی قرار دادن، یک حرف دیگری است؛ اینها با همدیگر تفاوت دارد. آرامش دانشگاه کمک‌کننده‌ی به این است که دانشگاه بتواند در زمینه‌ی مسائل علم - که این‌همه اهمیت دارد - کار خودش را انجام بدهد، وظیفه‌ی خودش را انجام بدهد، و اگر خدای نکرده عکس این بشود، اولین ضربه‌ای که خواهیم خورد،

این است که حرکت علمی در دانشگاه و به تبع آن در کشور متوقف خواهد شد، یا کند خواهد شد؛ و عرض کردیم توقف، به معنای عقب‌گرد است.

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم در این ساعات حساس و در این ایام مبارک، برکات خودت را بر دانشگاه کشور و دانشگاهیان و دانشجویان ما نازل بفرما. پروردگارا! ما را در راهی که به هدایت عمومی ملت ایران بینجامد و به سرافرازی دنیای اسلام بینجامد، هدایت بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد، به ما بصیرت مواجهه‌ی با چالشهای گوناگون در دورانه‌های گوناگون عنایت کن؛ به ما اخلاص لازم در حرکتی که انجام می‌دهیم عنایت کن. پروردگارا! شهدای عزیز ما، بخصوص شهیدان دانشگاه، و بخصوص شهیدان اخیر اتمی کشور را - که شهیدان علمند، شهیدان مجاهدت عمومی ملت ایرانند - مشمول رحمت و مغفرت و تفضل خود قرار بده. پروردگارا! ما را در راه این شهیدان ثابت‌قدم بدار.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته